



فلسفه و منطقی

۱- گزینه‌ی «۲»

فلسفه آن‌گاه که درباره‌ی مبانی و اصول غیرتجربی علوم بحث و تحقیق می‌کند، در واقع به دنبال دست‌یابی به یک تبیین عقلانی از علوم تجربی است و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که چرا به علوم تجربی می‌توان اعتماد کرد؟ چرا می‌توان نتایج آن را قبول کرد و از آن در زندگی سود برد؟

۲- گزینه‌ی «۲»

بحث «وحدت و کثرت» یکی از بحث‌های مابعدالطبیعه (فلسفه) است. کثرت باعث تشخیص و تمیز اشیاء از یک‌دیگر است و وحدت، همانندی و مشابهت بین آن‌ها را نشان می‌دهد.

۳- گزینه‌ی «۱»

به عقیده‌ی «پروتاگوراس» همه چیز نسبی و موقتی است و حقیقت به معنای دانشی پایدار و ثابت هرگز به دست نمی‌آید. شعار او این بود که «انسان معیار همه چیز است!»

۴- گزینه‌ی «۴»

آزمایش‌های سقراط، مورد علاقه‌ی جوانان و اسباب ناراحتی مدعیان دانایی بود که اتهام «گمراه ساختن جوانان» را به او نسبت می‌دادند. سقراط علت اتهام‌ها را «دانش خاص او» یعنی «آگاهی به نادانی خویش» و علت محکومیت خود را «کینه و حسادت» کسانی که مدعی تعلیم و تربیت بودند، می‌دانست.

۵- گزینه‌ی «۳»

پیام اول سقراط این بود که گام اول در طریق کسب حکمت و دانایی همانا «خودآگاهی» است. این خودآگاهی افق جدیدی را پیش روی هر جوینده‌ی حکمت می‌گشاید. افلاطون سیر عقلانی به سوی معرفت حقیقی یا شناسایی «مُثل» را در کتاب «جمهوری» به کمک تمثیلی معروف به «تمثیل غار» بیان داشته است. این تمثیل را افلاطون در ضمن گفت‌وگوی سقراط با فردی به نام گلاوکن مطرح ساخته است.

۶- گزینه‌ی «۴»

ملاکی که همواره در طول تاریخ تکرار شده و عمومیت یافته، قدرت تفکر و اندیشه‌ی بشری است که معمولاً در کتاب‌های منطقی و فلسفی از آن به «نطق» یاد می‌کنند. مقصود از نطق، سخن گفتن نیست، بلکه مقصود تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند و خود را نشان می‌دهد.

۷- گزینه‌ی «۴»

تعریف انسان به حیوان متفکر به گونه‌ای است که به طور کامل مجهول را روشن می‌کند و شامل همه‌ی افراد انسانی می‌شود (جامع) و هم‌چنین از ورود افراد غیرانسانی به تعریف جلوگیری می‌نماید (مانع). «ارسطو» ملقب به «معلم اوّل» کاشف و مدوّن علم منطقی است.



۸- گزینه‌ی «۲»

به مفهوم ذاتی‌ای که به بیش از یک ذات اختصاص دارد و مشترک میان چند ذات است؛ «جنس» می‌گویند که می‌تواند به انواعی تقسیم شود. نزدیک‌ترین جنس به یک نوع را «جنس قریب» می‌گویند؛ مانند «شکل» نسبت به مثلث.

۹- گزینه‌ی «۲»

«جوهر ممتد در جهات سه‌گانه» در تعریف جسم از جنس قریب و فصل قریب تشکیل شده است، لذا تعریف به «حدّ تام» است و «حیوان هنرمند» در تعریف انسان، از جنس قریب و عرض خاص تشکیل شده است، پس تعریف به «رسم تام» است.

توضیح نکات درسی:

ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، تشخیص داد که ذهن با استفاده از مفاهیم درونی و بیرونی یک موضوع، چهارگونه تعریف، یعنی حدّ تام، حدّ ناقص، رسم تام و رسم ناقص انجام می‌دهد.

تعریف به حدّ تام و حدّ ناقص در «فصل قریب» مشترک هستند. تعریف به رسم تام و رسم ناقص در «عرض خاص» مشترک هستند. تعریف به حدّ تام و رسم تام در «جنس قریب» مشترک هستند. تعریف به حد ناقص و رسم ناقص در «عرض خاص» مشترک هستند.

۱۰- گزینه‌ی «۴»

قضیه‌ی «منفصل حقیقی» قضیه‌ای است که در آن هم درست بودن دو طرف قضیه محال است و هم غلط بودن آن‌ها به همین دلیل انفصال میان دو طرف را انفصال حقیقی و تمام دانسته‌اند و به همین جهت است که حتماً یکی از دو طرف قضیه درست و طرف دیگر غلط است. گزینه‌ی «۴» منفصل مانعة‌الجمع است، زیرا می‌شود فردا، نه سه‌شنبه باشد و نه چهارشنبه، مثلاً دوشنبه باشد ولی نمی‌شود هم سه‌شنبه باشد و هم چهارشنبه.

توضیح نکات درسی:

منفصل مانعة‌الجمع، قضیه‌ای است که محال است هر دو طرف آن درست باشند، اما می‌تواند هر دو طرف آن غلط باشد و یا یک طرف درست و طرف دیگر غلط باشد.

۱۱- گزینه‌ی «۳»

کاری که انسان انجام می‌دهد تا به یک حکم و تصدیق برسد، «استدلال» نامیده می‌شود. مفهوم «جزئی» آن است که فقط یک مصداق در خارج دارد و ممکن است که خود آن مصداق، از جمعی از اجزاء و افراد تشکیل شده باشد، مثل «همه‌ی معلم‌های این مدرسه». مفهوم «کلی» آن است که قابلیت صدق بر افراد متعدد را دارد، به این معنا نیست که حتماً افراد متعددی در خارج داشته باشد بلکه ممکن است مفهومی مثل «سیمرغ» را در نظر بگیریم که هیچ مصداقی در خارج نداشته باشد.



۱۲- گزینه‌ی «۳»

دو قضیه‌ای که هم در سور و هم در نسبت متفاوت باشند، بین آن‌ها رابطه‌ی «تناقض» برقرار است مانند «هر ماری سمّی است و بعضی مارها سمّی نیستند». اگر قضیه‌ای درست باشد نقیض آن غلط است و برعکس اگر قضیه‌ای غلط باشد نقیض آن درست است از این‌جا رایج شده است که «اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است»؛ یعنی محال است که هر دو قضیه‌ی متناقض درست یا هر دو غلط باشند.

۱۳- گزینه‌ی «۴»

در «استقرای ناقص» همه‌ی موارد جزئی آزموده نمی‌شود بلکه با آزمایش روی چند مورد، نتیجه‌ی به دست آمده را به کل موارد سرایت می‌دهند. مثلاً دانشمندان، دارویی را در چندین مورد آزمایش می‌کنند و هنگامی که اثر شفا بخش آن را می‌بینند، حکم کلی می‌دهند که آن دارو برای فلان بیماری مفید است؛ این نوع استدلال، مبنای اعتماد به علوم تجربی است. تنها راه مستقیم برای رسیدن به یقین «قیاس» است که استدلال از کلی به جزئی است و استنتاج جزئی از کلی.

۱۴- گزینه‌ی «۲»

قیاس «هر انسانی حیوان است و هر انسانی ناطق است» شکل سوم است و شرایط انتاج را نیز داراست. نتیجه‌ی شکل سوم همیشه «جزئی» است، حتی اگر دو مقدمه کلی باشند، بنابراین نتیجه‌ی این قیاس، «موجه‌ی جزئی» است.

۱۵- گزینه‌ی «۱»

مابعدالطبیعه از یک سلسله مسائل درباره‌ی «مطلق وجود» - یعنی وجود بدون هیچ قید و شرطی - سخن می‌گوید و احکام و عوارض آن را بررسی می‌کند. مباحث وجود در فلسفه به قصد شناخت کل جهان هستی است و فیلسوف می‌خواهد تصویری جامع و صحیح از جهان هستی به دست آورد. فلسفه‌ی اسلامی، فلسفه‌ای است که محتوای اصلی و ستون فقرات آن را دیدگاه‌های ژرف کتاب و سنت نسبت به جهان هستی تشکیل می‌دهند و شکل و صورت و چگونگی تبیین و استدلال در آن به شیوه‌ی فلاسفه است.

۱۶- گزینه‌ی «۴»

در قرن هفتم یکی از بزرگ‌ترین نوایغ عالم اسلام، «خواجه نصیرالدین طوسی» با توجه به حکمت اشراقی به احیای حکمت فارابی و بوعلی سینا پرداخت. شرح استادانه‌ای که او بر کتاب «اشارات» ابن سینا نوشت، به فلسفه‌ی مشاء رونق تازه‌ای بخشید. در قرن هشتم نیز قطب‌الدین رازی کتاب «محاکمات» را نوشت و در آن به ارزیابی شرح‌های خواجه‌ی طوسی و فخرالدین رازی بر کتاب اشارات ابن سینا پرداخت.

۱۷- گزینه‌ی «۱»

«عینیت مفهوم وجود و ماهیت در ذهن» صحت ندارد و این مسأله با عنوان «مغایرت وجود با ماهیت یا زیادت وجود بر ماهیت در ذهن» یکی از اصول حکماست.

۱۸- گزینه‌ی «۲»

فرشتگان و ملائک در حکمت مشاء با الهام از «احادیث اسلامی» عقول نامیده شده‌اند. آن‌ها هر دم در کار تدبیر جهان خلقت‌اند. ابن سینا عقل فعال را «واهب الصور» (بخشنده‌ی صورت‌ها) می‌خواند.



۱۹- گزینه‌ی «۴»

«فارابی» مهم‌ترین فیلسوف سیاسی اسلام است، زیرا آرای سیاسی بخش عمده‌ای از آثار او را به خود اختصاص داده است و به واسطه‌ی تأسیس «فلسفه‌ی اسلامی» یا فلسفه‌ی نبوی ملقب به معلم ثانی است. کتاب «شفا» از ابن‌سینا نوعی دایرةالمعارف عظیم علمی و فلسفی و کامل‌ترین مرجع در معرفی حکمت مشاء محسوب می‌شود.

۲۰- گزینه‌ی «۴»

کتاب «اشارات و تنبیهات» خلاصه‌ای از حکمت و آخرین دیدگاه‌های فلسفی ابن‌سیناست.

۲۱- گزینه‌ی «۳»

«امام محمد غزالی» یکی از بزرگ‌ترین متکلمین «اشعری» است که پرچمدار مخالفت با فلسفه‌ی مشائی بود او در کتاب «تهافت‌الفلسفه» به آرای فارابی و ابن‌سینا حمله کرد که ابن‌رشد در کتاب «تهافت‌التهاافت» به دفاع از فلسفه و نفی آرای غزالی در کتاب تهافت همت گماشت.

۲۲- گزینه‌ی «۳»

سهروردی با توجه ویژه به علم حضوری، توانست فلسفه‌ی استدلالی محض را با عرفان آشتی دهد و از دیدگاه او، نور حقیقتی واحد است که در مراتب گوناگون ظهور می‌کند و اختلاف موجودات در شدت و ضعف نورانیت آن‌ها است. ابتکار ملاصدرا در تطبیق مباحث فلسفی با سلوک عرفانی بود که از نظر ایشان و در چارچوب نظریه‌ی تشکیک وجود، «وجود و هستی» را مراتب و درجات است و اختلاف موجودات در شدت و ضعف مرتبه‌ی وجودی آن‌هاست.

۲۳- گزینه‌ی «۱»

علم ما به اشیا خارجی که از طریق صور علمیه حاصل می‌شود، «علم حصولی» نام دارد و علم ما به همین صور علمیه که بی‌واسطه و مستقیم است، علم حضوری خوانده می‌شود؛ به عبارت دیگر، صور علمیه، از آن جهت که از شیء خارجی حکایت می‌کند، علم حصولی است و از آن جهت که بی‌هیچ واسطه‌ای خود را به ما نمایان می‌سازد، «علم حضوری» است. در نتیجه، آگاهی ما از اشیا و موجودات به «علم حضوری» باز می‌گردد.

۲۴- گزینه‌ی «۱»

صدرالمتألهین انکار حرکت جوهری و ترس از گم‌شدن متحرک را از آثار عقیده به اصالت ماهیت می‌داند. از این‌رو با برانداختن دیدگاه اصالت ماهیت و جایگزین کردن اصالت وجود به جای آن، حرکت را به گونه‌ای دیگر تبیین کرد. حرکت جوهری اثبات می‌کند وجود جسم طبیعی علاوه بر ابعاد سه‌گانه‌ی مکانی یک بُعد و امتداد زمانی هم دارد؛ یعنی، در زمان هم جاری است.

۲۵- گزینه‌ی «۲»

به لحاظ «منطقی» نمی‌توان از جملات اخباری (قضایا) به نتیجه‌ی انشایی رسید ولی به لحاظ فلسفی و از دیدگاه علامه طباطبائی، با «توجه به قبول فطرت و استعدادهای روحی ویژه» برای انسان، می‌توان ریشه‌ی «ادراکات اعتباری» را در «ادراکات حقیقی» و هست‌ها جست‌وجو کرد.